



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۸

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: استدراکی نسبت به مطالب گذشته در اثبات مشروعیت شخصیت حقوقی تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

استدراکی بر مباحث گذشته

در ابتدای این جلسات عرض کردیم (احتمالا جلسه دوم) که دو مساله مهم در رابطه با شخصیت حقوقی مطرح است:

۱. یکی اینکه آیا از ناحیه شارع شخصیت‌های حقوقی مانند بانک، بورس، جمعیت‌ها، احزاب، موسسات خیریه و... که امروزه یا در طول تاریخ پیدا شده و به حسب نیاز عقلا آن‌ها را اعتبار کرده‌اند، به عنوان شخصیت‌هایی که برای معاملات حقوقی اهلیت دارند و می‌توانند مالک شوند، قرض بگیرند، ذمه داشته باشند و... مورد امضا واقع شده‌اند یا اینکه باید به شخصیت‌های حقوقی مانند بیت المال، دولت، امام، کعبه، مسجد، عنوان فقرا (در مورد زکات)، عنوان سادات (در مورد خمس) و... که در زمان شارع وجود داشته است و مسلما مشروعیت دارند، اکتفا شود. به عبارت دیگر مساله این بود که آیا دلیلی برای اثبات مشروعیت تمام شخصیت‌های حقوقی وجود دارد یا خیر، که بحث مفصلی پیرامون آن انجام شد و ادله‌ی متعددی که در کلمات فقها نیز مطرح شده بود، مورد بررسی قرار گرفت.

ظاهرا در مجموع دو دلیل سالم از مناقشات برای تعمیم شخصیت حقوقی پیدا کردیم: یکی دلیل ولایت فقیه بود که اگرچه شخصیت حقوقی را اثبات نمی‌کرد ولی آثار آن را می‌توان بر اساس این دلیل بر شخصیت‌های حقوقی مترتب کرد، و راه دوم تمسک به دلیل وقف بود یعنی بنابر اینکه مستقیما دلیلی بر امضای این شخصیت‌های حقوقی (بورس، بانک، احزاب، نهادها و...) نداریم، از آنجا که اولا اطلاق دلیل وقف (الوقوف تکنون علی حسب ما یوقفها اهلها^۱) به ما این امکان را می‌دهد که برای هر عنوانی (جز در محرمات مانند وقف یک باغ برای درست کردن خمر) از جمله این شخصیت‌های اعتباری حقوقی (که وجود خارجی دارند و در نظر عقلا معتبر هستند و به دنبال اهداف خود چه سودآوری و چه غیر آن، حرکت می‌کنند)، مالی را وقف کنیم (و حتی اگر قصد قربت را در وقف شرط بدانیم در مورد نهادهای مفید می‌توان قربه الی الله وقف انجام داد)، و ثانيا معنای وقف این است که موقوف علیه یا مالک رقبه وقف مورد نظر می‌شود یا حداقل مالک منافع آن (مثل میوه‌های یک باغ، منافع خانه برای اجاره دادن و...) می‌شود و امکان تصرف در آن را دارد، بنابراین با تمسک به دلیل وقف می‌توان برای تمام شخصیت‌های حقوقی این میزان اهلیت و قابلیت تملک و به عبارتی مشروعیت این درجه از شخصیت حقوقی را اثبات کرد.

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص: ۱۷۵



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۸

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: استدراکی نسبت به مطالب گذشته در اثبات مشروعیت شخصیت حقوقی تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

۲. مساله دوم در مورد مقدار صلاحیت و اهلیت این شخصیت‌های حقوقی، و سعه و ضیق تصرفات آنها است و اینکه آیا تمام صلاحیت‌هایی که یک شخص حقیقی دارد برای شخصیت‌های حقوقی نیز جاری است یا خیر. به طور مثال حال که با تمسک به دلیل وقف مالکیت تمام شخصیت‌های حقوقی اثبات شد، آیا بیش از این میزان صلاحیت برای آنها ثابت می‌شود، مثلا آیا این شخصیت‌ها ذمه دارند، آیا می‌تواند قرض بگیرد، آیا می‌تواند هبه کند یا بگیرد، آیا می‌تواند با دیگری وارد مزارعه و مساقات شود و... این مساله حتی در مورد نهادهایی که در زمان شارع نیز برقرار بوده مانند منصب دولت، منصب امامت، عنوان فقرا (در مورد زکات)، عنوان سادات (در مورد خمس) و... قابل طرح است، به طور مثال این پرسش مطرح است که عنوان فقرا که مالک زکات هست، آیا متولی آن می‌تواند به نام فقرا تصرفاتی مانند خرید و فروش غیر مال زکوی، هبه دادن یا گرفتن، قرض گرفتن (که متفرع بر ذمه داشتن است) و... را انجام دهد، همین طور در مورد عناوین دیگر مساله مطرح است.

تفکیک آیت الله حائری در مورد عناوین مختلف

مطلبی که ظاهرا در جلسه ۱۳ مفصلا مورد بررسی قرار دادیم و امروز به عنوان استدراک آن را یادآور می‌شویم، احتمالی است که حضرت آیت الله حائری در مورد وجود یک ارتکاز عقلایی برای توسعه صلاحیت‌های شخصیت‌ای حقوقی مطرح فرموده بودند. توضیح آنکه در ارتکاز عقلا به طبع اولی خود بین صلاحیت‌های مختلف تفکیکی وجود ندارد، فلذا اگر فی الجمله برای یک عنوان تصرفات قانونی اثبات شد، سایر تصرفات نیز اثبات می‌شود. به عبارت دیگر در ارتکاز عقلایی وقتی شخص یا شخصیتی به عنوان مالک شناخته شد، این به معنای آن است که ذمه نیز دارد و می‌تواند تصرفات قانونی که عقلا برای او امکان‌پذیر باشد را انجام دهد (مثال برای تصرف غیر ممکن عقلایی ازدواج برای نهادها است). در نتیجه تمسک به دلیل وقف در اثبات اجمالی شخصیت حقوقی برای نهادها به ضمیمه ارتکاز عقلا در عدم تفکیک بین صلاحیت‌های مختلف، می‌تواند یک شخصیت حقوقی کامل را برای آنها رقم بزند.

مساله‌ای که وجود دارد این است که ارتکاز عقلا به تنهایی دلیل نیست، به عبارت دیگر باید این ارتکاز مورد تایید شارع باشد و این مستلزم آن است که چنین ارتکازی در زمان شارع وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اگرچه دلیل داریم که وقف وجود داشته و وقف بر هر عنوانی از جمله نهادهای حقوقی امروز جایز است ولی اینکه موقوف علیه حق انجام هر گونه تصرفی را داشته است، مربوط به ارتکاز است که نیاز به اثبات دارد، یعنی اگرچه امروزه به خاطر گسترش نهادهای قانونی چنین ارتکازی وجود دارد ولی وجود آن در زمان شارع قابل اثبات نیست.

البته ایشان (آیت الله حائری) در مورد شخصیت‌های حقوقی و عناوینی که قابل انطباق بر اشخاص حقیقی است (فقرا، سادات، امام،...)، وجود این ارتکاز را در زمان شارع قابل احراز و در نتیجه تمام تصرفات قانونی آنها را صحیح می‌دانند. مثلا وقتی مالکیت انفال برای امام و منصب امامت (که در هر زمان در ضمن یک شخص حقیقی مجسم می‌شود) ثابت شد،



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۸

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: استدراکی نسبت به مطالب گذشته در اثبات مشروعیت شخصیت حقوقی تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

صلاحیت سرمایه‌گذاری، قرض و... نیز برای چنین عنوان و منصبی قابل احراز است. اما در مورد مانند مسجد که عنوان آن منطبق بر یک مکان است، وجود چنین ارتكازی محرز نیست، فلذا به همان میزان از شخصیت حقوقی که در دلیل برای آن‌ها ثابت شود، باید به همان اکتفا کرد مثلاً به اقتضای دلیل وقف، برای عنوان مسجد تنها مالکیت ثابت می‌شود و آن هم صرفاً از طریق وقف.

بنابراین ایشان (آیت الله حائری) اصل شخصیت حقوقی را برای تمام نهادهای قدیمی و جدید می‌پذیرند (به دلیل ولایت فقیه یا وقف؛ حتی دلیل وقف می‌تواند اصل شخصیت حقوقی نهادهایی مانند برخی هیئت‌ها که از نظر قانونی به ثبت نرسیده‌اند را نیز شرعاً اثبات کند)، اما در مورد مقدار آن، قائل به تفکیک هستند بین عناوینی که قابل انطباق بر شخصیت‌های حقیقی هستند و عناوینی که این گونه نیستند. که در صورت اول شخصیت حقوقی کاملی را برای آن‌ها قبول می‌کنند و گرنه دلیل ما که ارتكاز عقلا است، برای توسعه صلاحیت‌ها قابل احراز نیست.